

فی دلباس ترسایان برکنار مجلس را بستند و گفت ایها الشیخ ما معنی قرآن
رسول الله صلی الله علیه و سلم انفقوا فی سبیل المؤمن فانه ینظر رسول الله جید
گفت ساعتی سر زد پیش او گفت در میسر بر آوردم و گفتم اسلام آورد که وقت اسلام
تو رسیدی است اما ما فی مکتوبه که مرده می پندارند که جنید یاد دیزلیست
کل مننت و من میگوید و کلامتنت یکی اطلاع وی بر فکران جوان و دیگر
اطلاع وی را که وی در حال اسلام خواهد آمد و جنید گفتند این علم
انجا میگوید گفت اگر انجا بودی بر سیدی و وی گفته تصوف آشت که
ساعتی بتشیخی بی نیما شیخ الاسلام گفت که بی نیما چه بود باقی چیست
و در بدای نگریدن که بینه در دیدار علت است و هر وی گفته است عرف
الوحد فی العرفان شیخ است عرفی العرف فی الوجد لو هر وی گفته اصراف حکمک
الی الله عزوجل فتنقطع عن عین الله و هر وی گفته است مواهفت با بالان
بهر از شفقت شیخ الاسلام گفت طاعت داری بهتر از خمت داری و هر جنید
گفت مردمان بت دارند که من نتا که سری سقطی این من شاکر و خیرین عالم القسام
از وی پرسیدند که تصوف چیست گفت ندانم لیکن خلوص یکم بظهر اکرمی و زمان
کریم من بجز کریمین قوم کریم الکسلا شیخ الاسلام گفت سخن طریقه و پیروی
کا اول گفت ندانم پس گفت خلیفت که بظاهر می کند تا کریم در زمان کریم از
کریم میان قوم کریمان والله لعا لانی ان کان خلیف است شیخ الاسلام گفته است

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like "و هر وی گفته است" and "و هر وی گفته است".

صافی عبدا انضاه بحالصة و علة من خالصته المالیة کله کریم من مساکریم
فی وقت کریم علی کان کریمین قوم کریم الکسلا کریمه سخن تازه بدست بخوردی
انخوف استایند و بقمع کوش آسوده مردان نشسته بگذرانند و بخان غرا انکران
رسا بنده سخن از دوستی و اندوختن نشان نشسته را شراب و خسته و در زمان
شیدن آسان از و باز در سن سنوان **شعر** و حوالک فی ابها لوی ان اردت
بسیر لیکن الخروج عبیر من ساسا کریم از زبانی و چه زبان انخوفت جان
و به صحبت عنوان نه گویند داشت و نه زبان سخن همه بگوش شنوند و آن
مجان فی وقت کریم در چه زمان در زمان که جزا خوبان نیست دران و کد نشسته عمر
جمل است از نیکویی آن و علم چها بیان اندکی زبان علی مکان کریم جای کریمه
دل پر آکنده و نه زبان خواهند و نه مستمع باز نکرند باین قوم کریم نزد یک محققا
و مستمع سوزان و نافرمان شیخ الاسلام گفته که وقتی جنید باز و انون
فرا فلیح مجنون رسید ندوی را گفت که مرا نگریدی کاین جنون تو از چیست جان
داد که جلیت فی الدنیا خیر است بفرات جنید پرسیدند که بلا چیست گفت العاقبة
خیر القلب مع الله حظه شخصی جنید را گفت که بران خراسان بران یاقت که
جایت سه است بک جاب خلق است و در و در دنیا و بسم نفس جواب داد که در
جایت دل عام است خاص محبوب بجزی دیگر است رویت الاعمال و مطالعة التواریخ
بها و ویرة الذمعة شیخ الاسلام گفته است که در اینست دل او را الله مجیب است

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like "و هر وی گفته است" and "و هر وی گفته است".